**( 218 )**

**هو الله**

ای منجذبان حق شجره امید چون در جنت ابهی غرس شد روز بروز باید نشو و نما نماید گل و شکوفه باز کند و میوه بخشد و طراوتی بی‌اندازه ظاهر و عیان نماید اگر چنین نباشد پژمرده گردد افسرده شود و لطافت و طراوت نماند حال شجرهء آمال را در آن ریاض بنشانید تا از فیوضات ملأ اعلی روز بروز بر سبزی و خرمی بیفزاید و نفحاتی منتشر نماید که مشام آفاق را معطر کند الحمد لله الطاف بی‌پایان جمال ابهی عالم وجود را احاطه نموده دریای فضل از هر جهت پر موجست و نفحات قدس در جمیع آفاق منتشر و ندای الهی از ملکوت غیب بلند و ملأ مقربین لبیک کنان منجذب و سرمست عبدالبهآء را امید چنانست که نار محبت الله در آن کشور چنان شعله ور گردد که حرارتش بملکوت اعلی رسد ای یاران کنز عظیم مشهود و مکشوف و فضل عمیم معروف و مشهور و میدان عرفان در نهایت اتساع و گوی موهبت کبری مانند آفتاب متلئلأ بر ارض و سما تا کدام فارسی بچوگان محبت الله این گوی موهبت الله را از این میدان معرفت الله برباید و علیکم التحیة و الثنآء (ع ع)